

## قبرس: رییس جمهور کمونیست از صندوق جهانی پول قرضه میطلبد

نوشته پاولوس آگیوس از نیکوسیا، برگرفته از تارنمای مارکسیست، برگردان از متن انگلیسی: و. خورمن

مارکسیست دات کام | نیکوسیا (قبرس) | ۱۱ جنوری ۲۰۱۳

قبرس یکی از نادرات کوچکیست در بحیره مدیترانه. این یک کشوریست که حزب کمونیست (حزب مترقی کارگری، اکل) در میان جنبش کارگری و جامعه در کل، ریشه های قوی داشته و کرسی ریاست جمهوری را در اختیار دارد و در پارلمان حزب اول میباشد.

اکل در سال ۱۹۹۰ مانند سایر احزاب کمونیست آن زمان دچار انشعاب شد، اما بخش اعظم اعضا و رهبران اتحادیه های کارگری، از تمایلات یورو کمونیستی فاصله گرفتند و امروز حزب از برکت موضع مردمی خویش، با داشتن تنها یک وزیر در کابینه، یک نیروی غیر پارلمانی محسوب میشود.



قبرس در سال ۲۰۰۰ به مثابه یک کشور ثروتمند از گروه ۱۲ کشور اروپایی در آن زمان به اتحادیه اروپا پیوست. قبرس، سوای آنکه پس از سال ۱۹۷۴ بخشی از ساحه خاک آن جزیره توسط نظامیان ترکیه اشغال گردید، بیشتر از هر چیز دیگر به صفت یک کشور توریستی و بهشت مالیاتی شهرت داشت. با وجود ترویج پول یورو و رییس جمهور کمونیست اش، قبرس کماکان یک جنت مالیاتی باقی ماند.

دمیتریس کریستوفیاس در سال ۲۰۰۸ با برنامه مذاکرات صلح با جمهوری ترکی شمال قبرس (ساحه اشغال شده توسط اردوی ترکیه که تنها از جانب آن کشور به رسمیت شناخته شده) و رشد اجتماعی، برنده انتخابات گردید. رهبران اکل وعده یک دولت رفاه در چهره مطالبات فدراسیون کارفرمایان و حزب شان بنام دیزی (حزب طبقه حاکم قبرس) را دادند.

سیاست اقتصادی اکل یکی از امید بخش ترین تعهدات ممکن برای همه بود. در ماه اپریل آنها بر موتر های با انجن قوی (موتر های با ماشین بزرگتر از سه لیتر، یعنی مالیه برای ثروتمندان) و مالیه دیگر بر آپارتمان های با مساحت بیشتر از ۳۰۰ متر مربع را وضع کردند که «هدف از آن افزایش درآمد دولت با تدابیر نیک برای اکثریت مردم و به خصوص برای نادر ترین ها» بود. اما پس از دو ماه، آنها یکجا با حزب دیزی برای عفو عمومی فراری های مالیاتی

(دومین عفو در ده سال اخیر) که تنها ۶ در صد عواید خویش را حساب داده بودند، رای دادند. در قبرس حرفه های لیبرال یعنی افراد اصلی رای دهنده های دست راستی، به مشکل مالیات میپردازند.

ماه ها قبل، بانکهای قبرس به خریداری اوراق قرضه یونان (خیلی ارزان) پرداختند و اکنون آنها به دشواری های سختی روبرو شده اند. دولت قبرس سعی نا موفقی کرد تا قرضه یی از دولت روسیه بدست آورد، سپس به میکانیزم ثبات اروپا (م. ث. ا.) برای قرضه ۴ میلیارد یورو (یک چارم تولید ناخالص داخلی) مراجعه نمود، اما بانکها میلیونها را که دولت برای نجات آنها پرداخت کرده بود، از دست دادند. اکنون آنها باید از صندوق جهانی پول (بشکل ترویکا) به مقدار ۲۰ میلیارد یورو قرضه درخواست نمایند.

بدین شکل کرستوفیاس چند روز قبل در تلویزیون ظاهر شد و توضیح نمود که ریاضت اقتصادی مانند کاهش پول بازنشستگی، کاهش دستمزد ها، توقف جدول تطبیقی دستمزد ها، کاهش در عرصه خدمات اجتماعی و خصوصی سازی ها، اقدامات بدی نیستند. تعداد زیادی از کارگران و اتحادیه های کارگری و اعضای اکل تعجب خواهند کرد که پس اقدامات بد چی خواهند بود؟ بر مبنای نظر سنجی ها، در حالی که ۳۵ در صد رای در انتخابات آینده به حزب دست راستی دیزی خواهند رفت، کمتر از ۲۰ در صد برای حزب اکل رای خواهند داد. این خود بایستی برای رهبران حزب اکل نشانه یی باشد که سیاست های را که جناح راست سوسیال دموکراسی و احزاب سرمایه داری در سرتاسر اروپا تطبیق میکنند، نمیتواند سیاستهای حزبی باشد که بر خود نام کمونیست اطلاق میکند.

### حالا اکل چی خواهد کرد ؟

سیاست های اکل، که در حرف یک حزب کمونیست پرهیزگار است، در عمل همان رفورمیسم سوسیال دموکراسی است. در حالی که این نحوه عملکرد در دوران جهش اقتصادی خیلی قابل قبول بود، در حالت بحران عمیق سرمایه داری برگشت به موضع اولی کار ساده یی نخواهد بود. در حقیقت هر دولتی که ادعای کمونیستی یا سوسیالیستی بودن داشته و بالای بمب ساعتی جعل مالیاتی، فساد، شستشوی پول و مالیات ناچیز برای کمپنی های خارجی چندین ملیتی سوار باشد، دیر یا زود در برابر حقایق محکوم به فروپاشیست. هفته گذشته حزب دولتی اکل با این حقیقت تلخ در بیانیه کریستوفیاس روبرو شد.

در هنگام اعلان تدابیر جدید، برای چندین روز یک اعتصاب همگانی بخش ترانسپورت در سرتاسر جزیره بخاطر دستمزدهای پرداخت نشده ماه قبلی از جانب اتحادیه هوادار کمونیستی ترانسپورت پی ای او بنام (OELMEK) سازماندهی شده بود. در عین زمان معلمین و دهقانان/ کارگران زراعتی، با دولت بخاطر سیاست هایش در گیر شدند، تا حدی که حتا وزارت زراعت کشور را تسخیر نمودند. اوضاع به سوی برخورد میان دولت و اتحادیه ها در حال انکشاف است.

برای آنها (اعضای حزب اکل، م.) روشن است که بانکهای که در زمان اولین بحران نام نهاد قرضه یونان به قمار پرداختند، مسوول وضع به وجود آمده اند، اما آنهاست که بایستی این جریمه را بپردازند، همانا کارگران اند. درست مانند اسپانیا، پرتغال، یونان، آیرلند ... تفاوت در این است که ما اینجا در کرسی ریاست جمهوری یک کمونیست داریم. نمونه قبرس باید هشدار باشد برای چپ اروپا در زمینه رویاهای وحشیانه شان در خصوص «اداره سرمایه داری در مجرای انسانی» و یا «کنترول بازار های مالی» ذریعه مالیات.

دولت باید آن بانکهای که ورشکست شده بودند را ملی اعلان میکرد. با این کار قادر میشد تا کل بخش مالی را ملی سازد و آن میلیارد های که در بهشت های دیگر مالیاتی راحت آرمیده اند را دوباره به خانه برگرداند. اکل نباید برای مدت چار سال، در بدترین دوران بحران اقتصادی، ساکن باقی میماند، لازم بود تا از پشتیبانی گسترده مردمی خویش برای انکشاف اقتصاد از طریق تصرف زمین و رشد صنایع و منابع کشور بهره می جست. مناطق غنی از گاز طبیعی کشف شده در آبهای ساحلی باید دولت را مکلف به دریافت شرکای اقتصادی غیر از کشور های مانند اسرائیل و شرکت های چند ملیتی مانند کمپنی های ENI و ESSO مینمود که بر سر منابع انرژی جنگ با لیبیا را زدند.

قبرس یک کشور اشغال شده و وابسته ایست که تنها راه فرا جهیدنش اتخاذ سیاست دفاع از منافع کارگران از ورای برگشت بسوی طبقه کارگر اروپایی است، نه عقد قرارداد ها با این یا آن قدرت امپریالیستی.

هفته گذشته اندروس کیپریانو منشی عمومی حزب اکل، حزب کمونیستی که رییس جمهور برحال نیز عضو آن است، اعلام نمود: «برای ما بهتر بود اگر زون یورو را رها میکردیم». واکنش کیپریانو در برابر احتمال آنکه اتحادیه اروپا میتواند ریاضت بیشتر را که در حکم کاهش در خدمات اجتماعی، در بازنشستگی و در دستمزد هاست، تقاضا نماید، بوده است. (ستاره صبح، ۲۳ سپتمبر). این کلمات بیانگر آنست که وضع تا کدام سرحد انکشاف نموده است.

این تراژیدی قبرسی یعنی چهره بی دیگری از تراژیدی یونان، نشان میدهد که به چی نحوی حزبی مانند اکل که میتواندست برای مردم زحمتکش اروپا نمونه مثال قرار گیرد، به جانب انتحار سیاسی راه میبیماید. این همچنان مبین آن است که در حال حاضر گفتگوهای جعلی و مضحکی میان رده های اکثریت چپی های اروپا در مورد باقی ماندن یا ترک یورو در جریان است، تو گویی این یگانه راه حل معجزه آسا برای پایان بخشیدن به بحران کنونی است. در نمونه قبرس ما مشاهده میکنیم که باقی ماندن یا ترک اتحادیه اروپا هیچ معضلی را حل نمیکند.

سیاست اکل، در نبود یک راهبرد انسجام یافته کمونیستی، چی با یورو و چی با پوند قبرسی عین نتایج را خواهد داشت. بخاطر از بین بردن نظم سرمایه داری، یک دولت به کنترول بخش مالی و تجارتي نیاز دارد. این صرفا یک مسئله اسعاری نیست. وعده های اکل در مورد آنکه تدابیر اقتصادی باید با شخصیت های اتحادیه اروپا مذاکره شود و هر تغییری بایستی با مشارکت همه صورت پذیرد و نه اینکه بر گرده های کارگران تحمیل گردد (آنچنانیکه شما درینجا میخوانید: **قبرس: یک فرد بیرونی در راس اتحادیه اروپا**)، با سیاست های رییس جمهور به فراموشی سپرده شدند. بر حسب مثال حاضر، در زون یورو و یا بیرون از آن، بدون ملی ساختن بخش های بانکی و مالی، جولانگاه مانور دولت

خیلی تنگ خواهد بود. این همچنان درس بزرگی جهت آموختن از جانب چپ اروپا است (مخصوصاً رهبران سبیریزا «جبهه متحد ملی. تکیه بر ویکی پدیا. م.» در یونان).

اکنون قبرس در آستانه تعميل کاهشات، رياضت و ازدياد فقر قرار دارد. احتمال رویکار آمدن یک دولت دست راستی نیز قویا موجود است که رياضت را تشدید بیشتر خواهد بخشید. اما مقاومت در برابر این سیاست ها کماکان بیشتر میشود که از اتحادیه ها، مخصوصا از کنفدراسیون اتحادیه کمونیستی PEO و فدراسیون سکتور دولتی PASYDY آغاز می یابد. این بر اعضای حزب اکل تاثیر وارد خواهد آورد. برای کمونیست بودن نباید از اشتباه مبرا بود (این مشخصه فوق العاده مربوط کلیسای کاتولیک است). برای کمونیست بودن باید از اشتباهات خویش آموخت. اکل به یک برنامه مارکسیستی نیاز دارد تا از بحران بدر آید، یعنی از میان برداشتن سرمایه داری برای همیشه.

### چند سخنی از مترجم:

مثال قبرس نشانگر یک حقیقت تلخ، اما واقعیت است که:

- هر نوع انحراف از اصول بنیادین مارکسیزم در عرصه مبارزه طبقاتی که خصوصیت این مبارزه را زیر سوال میبرد، محکوم به شکست است.
- به تاسی از آن، جستجوی هر راه دیگری در جریان مبارزه به مفهوم رفورم و بازسازی سرمایه داریست که خود عملکرد روشنفکری و تسلیم طلبی است.
- طفره رفتن از مبارزه طبقاتی و دفاع بی امان از منافع طبقه کارگر و زحمتکشان تمام جوامع، تحمیل چشم پوشی از منافع آنها در برابر منافع سرمایه داریست و این یک خیانت شمرده میشود.
- نجات ایده های کمونیستی وفادار به آرمانهای زحمتکشان از دستکاری و خیانت رویونیست ها و تجدید نظر طلبان از جمله وظایف تاخیر ناپذیر کمونیست های واقعی میباشد.
- انطباق تاکتیک های مبارزه احزاب مترقی زحمتکشان با شرایط روزگار نباید به تسلیم طلبی و رفورمیزم بینجامد. هر زمانی که چنین شد، خصوصیت همان حزب کمونیست زیر سوال میرود و سرانجام آن حزب از یخن سوسیال دموکراسی سر در میاورد که جنایت بار ترین معاملات را با سرمایه داری انجام میدهد.
- آموختن از اشتباهات در مبارزه جزئی از روند مبارزه و تکامل تیوری مترقی انقلابی است. میان این آموزش و بازنگری معاصر که در اثر فشار سرمایه و نبود یک تکیه گاه جهانی، در میان برخی از روشنفکران راه باز کرده است، فرق روشنی وجود دارد.
- فروپاشی نظام سرمایه داری جبر تاریخ و ناگزیر است.